

Analysis of the political management discourse of space in Cuba after the 1959 revolution

Rasoul Afzali^{1*}, Hassan Kamran Dastjerdi², Farzad Abedi Shoja³.

1- Associate Professor of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

2- Associate Professor of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

3- PhD Student in Political Geography, Ferdowsi University, Mashhad, Iran

Accepted: 30 March 2021

Received: 1 August 2021

Extended Abstract

Introduction

The political function of the various units within the country depends on the type of government and political system in the country. Most researchers merely describe the functional and structural features of space policy management and explain how countries are divided and ignore the impact of different factors on the way political management of space has been. Governments have to reorganize their territory politically in order to govern and govern their territory. Also, the level of power and authority of the regions within the countries depends on the type of political system governing the countries. The context and framework of the administrative organizational structure of a country is determined by the political management of space. If the system of political management of space is hierarchically high, the organizational structure will also tend to be high. The high structure, in addition to slowing down the information process, has led to the expansion of bureaucracy due to the need for facilities, resources and manpower, and the complication of bureaucracy, waste of resources and high costs. Marxism has been chosen as a discourse centered on justice, and Castro-era Cuba has been chosen for analysis as a country influenced by this discourse. In Cuba after the 1959 revolution against the dictator Batista, the centralist structure that prevailed during his time continued in a different way. Cuban society before the revolution was different from the civilized societies of the time, the fundamental distinction between the deprived and the affluent, the rulers and farmers and citizens of Havana with other peoples, had created a rift that could make Cubans two separate nations. A select group of prominent government officials, army officers, and landowners ruled the community, and the rest of the people lived in deplorable living, health, and educational conditions. This study is about the political management of space in Cuba after the 1959 revolution.

Methodology

The nature of exploratory research is descriptive-analytic and uses library resources, and the method is also influenced by the provocative methods; discourse is, according to a dominant definition, intellectual and practical logic ruling over a specific time and place, the ideology of a state can be considered a hegemonic discourse. Using the method of Laclau and Mouffe discourse analysis to analyze phenomena, events and socio-political issues requires accurate knowledge of the concepts used by the two, as long as the researcher has not learned these concepts properly, their application and formulation in various subjects. It is difficult and

* . Corresponding Author (Email: Rafzali@ut.ac.ir)

impossible, the most important concepts and terms of Lacla and Mouffe that are often used in this research are such as articulation, domain of discourse, obstruction, chain of equivalence and so on

Results and discussion

The ideology of government in Cuba has had a special impact on its political management. The characteristics of Cuba in the form of the analysis of the discourses of Lacla and Mouffe, describe and then influence the dominant discourse on Cuba in its political management after the 1959 revolution. After the revolution, ideology of Marxism paid attention to the necessity of paying attention to all aspects of the Cuban nation, and it became apparent on all issues of this country. At periods in the life of Cuba's socialist system over the past 60 years, this discourse has had its weaknesses. Not all Cubans agreed with the new regime, and the US-backed opposition created problems for a goal-oriented and egalitarian justice discourse. The popular discourse in post-revolutionary Cuba was easily introduced to the traditional society of the country. People had not forgotten the bitter experience of the Spanish, American and colonial period of Batista and his allies, the new discourse gained credibility with them. The type of government in Cuba is centralist and simple, and the main powers and institutions of government are all concentrated in Havana. All states are under the control of the central government and are subordinate to the government in important decisions and have no special autonomy. This centralism is also one of the policies of the Cuban revolutionary discourse. Autonomy has been widely condemned for economic sabotage and interaction with the United States since the beginning of the revolution, and states are unlikely to become autonomous for many years to come. The states have full authority over local affairs, and all elements of local government are elected by the local people, but the policy of most local policies is also determined by the Communist Party offices there, although this has changed since the constitutional amendment.

Conclusion

From the research results, it appears that Cuban political management of space is centered on the separation of powers and recognizes the constitution of civil and religious freedoms. The blockade of the Cuban revolutionary discourse after the collapse of the Soviet Union led to a revision of the constitution, which has guaranteed the revision and revision of the entrenchment of Cuban revolutionary discourse

Keywords: Discourse Analysis, Cuban Revolution, Political management of space, Laclau & Mouffe, Socialism.

تحلیل گفتمان مدیریت سیاسی فضا در کشور کوبا پس از انقلاب ۱۹۵۹

رسول افضلی^۱ - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

حسن کامران - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

فرزاد عابدی شجاع - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰

چکیده

کارکرد سیاسی واحدهای مختلف درون کشوری به نوع حکومت و سیستم سیاسی کشور بستگی دارد. مدیریت سیاسی فضا، بیشتر تسهیل حاکمیت تا پایین‌ترین سطح سیاسی است. بیشتر پژوهشگران صرفاً به توصیف کارکردی و ساختاری مدیریت سیاسی فضا و تشریح چگونگی تقسیمات کشوری اکتفا کرده و از توجه به تأثیر عوامل مختلف بر شیوه مدیریت سیاسی فضا غافل بوده‌اند. ماهیت پژوهش اکتشافی بوده و محتوا توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر روش تحلیل گفتمان است و از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. گفتمان طبق یک تعریف مسلط، منطق فکری و عملی حاکم بر یک دوره زمانی و مکانی خاص است، ایدئولوژی یک حکومت را می‌توان یک گفتمان هژمونیک محسوب کرد. ایدئولوژی حکومت در کوبا تأثیر خاصی بر مدیریت سیاسی فضای آن گذاشته است. ویژگی‌های کوبا در قالب تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، تشریح و سپس تأثیر گفتمان حاکم بر کوبا در مدیریت سیاسی این کشور بعد از انقلاب ۱۹۵۹ تحلیل و بررسی شد. بعد از انقلاب ۱۹۵۹ ایدئولوژی مارکسیسم، ضرورت توجه به همه احاد ملت کوبا را مورد توجه قرار داده و در همه مسایل این کشور نمود پیدا کرد. از نتایج پژوهش چنین بر می‌آید که، مدیریت سیاسی فضا در کوبا تمرکزگرا با تکیه بر تفکیک قوا بوده و قانون اساسی آزادی‌های مدنی و مذهبی را به رسمیت می‌شناسد. انسداد گفتمان انقلابی کوبا بعد از فروپاشی شوروی موجب بازنگری در قانون اساسی شد، که این اصلاح و بازنگری استیلای گفتمان انقلابی کوبا را تا امروز تضمین کرده است.

واژگان کلیدی: گفتمان، انقلاب کوبا، مدیریت سیاسی فضا، لاکلا و موفه، سوسیالیسم.

مقدمه

به دلیل اهمیت مدیریت سیاسی فضا در توسعه کشورها و همین طور نحوه اداره مطلوب کشورها؛ دولت‌ها نسبت به تقسیم و سازماندهی فضای سرزمینی خود به شکل مناسب، توجه جدی دارند. سطح اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری و کارکرد سیاسی واحدهای مختلف درون کشوری به نوع حکومت و سیستم سیاسی کشور بستگی دارد. در سیستم‌های متمرکز و یکپارچه اختیارات و قدرت این فضاها محدود بوده و تا حد زیادی تابع حکومت مرکزی است. در این نوع سیستم‌ها مدیریت به صورت سلسله مراتبی می‌باشد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۳۷۰). سطح اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری و کارکرد سیاسی واحدهای تقسیمات درون کشوری تا حد زیادی تابع نوع دولت و سیستم سیاسی سطح ملی می‌باشد. یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین مباحث دولت‌های مدرن بحث مدیریت سیاسی فضا است که عوامل سیاسی-اجتماعی-تاریخ و فرهنگ یک جامعه را به کمک می‌طلبند. مدیریت سیاسی فضا به عنوان شاخصی برای گونه‌شناسی نظام حکومتی به کار می‌رود. منظور از مدیریت سیاسی فضا تقسیم‌بندی یک پهنه سرزمینی براساس عوامل و محدوده‌های همگن اجتماعی، محیطی، اقتصادی، سیاسی و اداری به منظور اداره و مدیریت بهینه سرزمین و بهره‌برداری مطلوب و منطقی از منابع در راستای برقراری توسعه پایدار و به منظور ایفای نقش سیاسی می‌باشد. به تقسیم‌بندی سطح یک سرزمین به واحدهای متمایز سیاسی براساس معیار و ملاک‌های معین که در فضای درون کشوری به تقسیم پهنه سرزمین ملی مبتنی بر ملاک‌های معین می‌پردازد، مدیریت سیاسی فضا گفته می‌شود. مدیریت سیاسی فضا از اهم مسائلی است که در یک کشور در حال رشد باید برای انجام برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و اداره بهتر سرزمین و بهره‌برداری بیشتر به آن توجه کند. دولت‌ها برای اداره سرزمین خود و اعمال فرمانروایی بر آن، ناگزیر از سازمان‌دهی سیاسی قلمرو خود هستند. همچنین سطح قدرت و اختیارات نواحی داخل کشورها وابسته به نوع نظام سیاسی حاکم بر کشورها می‌باشد. ظرف و چارچوب ساختار تشکیلاتی اداری یک کشور را مدیریت سیاسی فضا تعیین می‌کند. چنانچه نظام مدیریت سیاسی فضا به لحاظ سلسله مراتبی بلند (مثل ایران کشور، ایالت، بخش، دهستان) باشد ساختار تشکیلاتی نیز متمایل به بلند خواهد بود. ساختار بلند، علاوه بر اینکه فرایند اطلاع‌رسانی را کند می‌کند، به دلیل نیاز به امکانات، منابع و نیروی انسانی زیاد باعث گسترش دیوانسالاری شده و پیچیده شدن بوروکراسی اداری، اتلاف منابع و تحمیل هزینه‌های زیاد (به ویژه هزینه‌های جاری در مقابل عمرانی) بر دوش مردم و کندی فرایند توسعه و عقب‌ماندگی را به دنبال خواهد داشت (احمدی‌پور، ۱۳۹۱: ۶۰-۱۵). بیشتر پژوهشگران صرفاً به توصیف کارکردی و ساختاری مدیریت سیاسی فضا و تشریح چگونگی تقسیمات کشوری اکتفا کرده و از توجه به تأثیر عوامل مختلف بر شیوه مدیریت سیاسی فضا غافل بوده‌اند. برای تبیین و شناخت بهتر عوامل مؤثر بر مدیریت سیاسی فضا می‌توان از روش تحلیل گفتمان استفاده کرد، گفتمان طبق یک تعریف مسلط، منطق فکری و عملی حاکم بر یک دوره زمانی و در یک ظرف مکانی خاص است (افضلی، ۱۳۹۶: ۲۶۲). چنانچه از این تعریف بر می‌آید، ایدئولوژی یک حکومت را می‌توان یک گفتمان هژمونیک محسوب کرد، بدین سبب از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه^۴ به عنوان مبنای تحلیل مدیریت سیاسی فضا در کوبا استفاده شده است؛ لاکلا و موفه مهمترین نقش گفتمان را در حوزه مفهوم پردازی سیاست و قدرت می‌دانند. در تحلیل گفتمان به

1 . Political management of space
 2 . Discourse Analysis
 3 . Ernesto Laclau
 4 . Chantal Mouffe

مثابه روش، اولین قدم شناسایی دو گفتمان متخاصم و یافتن غیریت آنها و سپس تعیین مقطع زمانی و مکانی پژوهش است (سلطانی، ۱۳۸۳: ۶). مارکسیسم به عنوان گفتمانی که عدالت در مرکز آن قرار می‌گیرد و کوبای دوران کاسترو^۱ به عنوان کشوری که متأثر از این گفتمان است، برای تحلیل انتخاب شده است. در کشور کوبا بعد از انقلاب ۱۹۵۹ علیه دیکتاتور این کشور یعنی باتیستا^۲ ساختار تمرکزگرایی که در دوره او رواج داشت به شکل دیگری ادامه پیدا کرد. جامعه کوبا قبل از انقلاب، متفاوت با جوامع متمدن آن روزگار بود، تمایز اساسی بین محرومان و قشر مرفه، حاکمان و کشاورزان و شهروندان هاوانایی با سایر مردم، شکافی ایجاد کرده بود که می‌شد کوبایی‌ها را دو ملت جداگانه فرض کرد. یک گروه مشخص از مقامات برجسته دولتی و افسران ارتش و زمینداران بر جامعه حکمرانی کرده و بقیه مردم در وضعیت اسفناکی از نظر معیشتی، بهداشتی و آموزشی زندگی می‌کردند (کمالی طه، ۱۳۶۱: ۶-۷). طبقه حاکم از مردم هاوانا با نام «مردم داخله» یاد می‌کردند و پنداری دیگرانی که ساکن هاوانا نبودند خارجی و بیگانه هستند (Alonso, 2011: 28).

چنین وضعیتی منجر به انقلاب ۱۹۵۹ در کوبا شده و گفتمان جدیدی را حاکم کرد که متأثر از ایدئولوژی انقلابیون کوبا به رهبری فیدل کاسترو بود. ایدئولوژی مارکسیسم، عدالت محوری و ضرورت توجه به همه آحاد ملت کوبا را در حوزه نظر و عمل مورد توجه قرار داده و این گفتمان در همه مسائل این کشور نمود پیدا کرد. در این پژوهش سعی بر این است که گفتمان مارکسیسم با مرکزیت «عدالت محوری» واکاوی شده و ارتباط آن با مدیریت سیاسی فضا در کشور کوبا تحلیل و بررسی شود.

مبانی نظری

گفتمان لاکلا و موفه

تحلیل گفتمان یک گرایش مطالعاتی میان رشته‌ای است که مانند بسیاری از مفاهیم پست مدرن تعریف گریز و سیال است. در تحلیل گفتمان باید مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه‌های گفتار و نوشتار و ارتباط فراکلامی و ارتباط ساختار با واژه‌ها در یک گزاره کلی در نظر گرفته شوند، چون در تحلیل گفتمان هر واژه مفهوم ویژه‌ای دارد، اما با ورود به اذهان گوناگون معانی متفاوت پیدا می‌کند. اصطلاح گفتمان ظاهراً اولین بار در مقاله تحلیل گفتمان (۱۹۵۲) نوشته زلیک هریس به کار رفت. اما اولین تلاش‌های جدی را سورسور زبان شناس سوئیسی در زمینه تحلیل گفتمان انجام داد. بعدها لاکلا و موفه توانستند این نوع تحلیل را وارد حوزه علوم سیاسی کنند و میشل فوکو آن را به کل علوم انسانی تعمیم داد. این واژه اولین بار توسط داریوش آشوری وارد ادبیات سیاسی ایران شد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۲). لاکلا و موفه نظریه خود را با تلفیق و اصلاح دو سنت نظری عمده یعنی مارکسیسم و ساختارگرایی بنا کردند. اولی، نقطه شروعی برای اندیشیدن راجع به امر اجتماعی در اختیار آن‌ها قرار داد و ساختارگرایی نظریه‌ای درباره معنا و لاکلا و موفه این دو سنت را در قالب یک نظریه پسا ساختارگرا با یکدیگر تلفیق کردند. بنابراین، نظریه گفتمان آن دو، ریشه در دو سنت نظری ساخت‌گرا یعنی مارکسیسم و زبان شناسی ساخت‌گرای سوسور دارد (افضلی، ۱۳۹۶: ۲۸۷).

استفاده از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه برای تحلیل پدیدارها، رخدادها و مسائل سیاسی - اجتماعی مستلزم شناخت دقیق مفاهیم به کار گرفته شده از سوی این دو است، مادامی که پژوهشگر این مفاهیم را به درستی فرا نگرفته باشد،

1 .Fidel Alejandro Castro

2 .Fulgencio Batista

کاربست و صورت‌بندی آنها در موضوع‌های گوناگون دشوار و ناشدنی است، مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاحات لاکلا و موفه که اغلب در این پژوهش نیز استفاده شده، از قرار زیر است:

- ❖ **گفتمان**؛ کلیت ساختاردهی شده که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود.
- ❖ **مفصل‌بندی**؛ هر عملی که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود، به نحوی که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعریف شود.
- ❖ **هژمونی**؛ توانایی یک گفتمان برای تثبیت نسبی معنا در بافت محدود و مشخص است.
- ❖ **قابلیت دسترسی و اعتبار**؛ این دو مفهوم برای توضیح چگونگی موفقیت و پیروزی گفتمان‌ها به کار می‌رود. هر گفتمانی که بتواند به خلاء و ابهام معنایی دال‌های شناور خاتمه دهد، آنها را دسترس عاملان اجتماعی قرار می‌دهد و آنها امکان هژمونیک شدن آن گفتمان را فراهم می‌سازند. اما به شرط آنکه اصول پیشنهادی آن گفتمان با اصول جامعه سازگار باشند. به این امر قابلیت اعتبار گفته می‌شود.
- ❖ **عناصر و وقته‌ها**؛ عناصر، نشانه‌هایی‌اند که معنای آنها تثبیت نشده است و گفتمان‌های گوناگون تلاش در معنادهی به آنها دارند. وقته‌ها، آن دسته از عناصری‌اند که در درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند و به هویت و معنای موقت دست یافته‌اند.
- ❖ **زنجیره هم‌ارزی و تفاوت**؛ گفتمان‌ها از طریق زنجیره هم‌ارزی تفاوت‌ها را می‌پوشانند. در هم‌ارزی، عناصر، معناهای گفتمان رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند منحل می‌شوند. در برابر این مفهوم، منطلق تفاوت به خصلت متکثر جامعه اشاره دارد و از اینجاست که مفهوم خصومت و «دیگری» برجسته می‌شود.
- ❖ **انسداد یا توقف**؛ تثبیت موقت معنای یک نشانه در یک گفتمان و توقف موقت در روند بی‌ثباتی معنایی. دال و مدلول؛ دال‌ها اشخاص، مفاهیم و عبارات و نمادهایی هستند که در چارچوب یک گفتمان بر معنای خاصی دلالت دارند. معنا و مصداقی که دال بر آن دلالت دارد مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که با دیدن آن دال مورد نظر معنا می‌شود (مارش و استوکر، ۱۳۷۷: ۱۲۳).
- ❖ **دال مرکزی**؛ نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها حول آن مفصل‌بندی می‌شوند.
- ❖ **حوزه گفتمان‌گونگی**؛ محفظه‌ای که حاوی معنای اضافه است و در بیرون از منظومه گفتمانی خاص استقرار دارد و به نوعی مدلول‌های مخالف گفتمان مسلط را درون خود جای می‌دهد.
- ❖ **بی‌قراری یا ازجاشدگی**؛ بی‌قراری یک گفتمان ماحصل حوادثی است و این حوادث خود حاصل رشد غیریت و خصومت در جامعه‌اند. ازجاشدگی، تمایل به فروپاشی نظم و افول گفتمان موجود دارد و به تصادفی بودن مفصل‌بندی‌های اجتماعی اشاره دارد.
- ❖ **مشروط / محتمل بودن**؛ این مفهوم نزد لاکلا و موفه در برابر هر گونه تصور ذاتی و ضروری در حوزه اجتماعی قرار می‌گیرد.
- ❖ **ضدیت یا خصومت**؛ از آنجا که اشیا دارای ذات و هویت ثابتی نیستند؛ هر چیزی در ارتباط با غیر و از طریق خصومت با آن هویت پیدا می‌کنند.
- ❖ **سوژه**؛ لاکلا و موفه دیدگاه آلتوسر را در این مورد می‌پذیرند که هویت سوژه به شکل گفتمانی ساخته شده؛ اما

دلالت ضمنی نظر او بر جبرگرایی را انکار می‌نمایند (افزایی، ۱۳۹۶: ۲۵۴-۲۷۰).

ایدئولوژی مسلط یک حکومت و ساختار اقتصادسیاسی آن طبق نظریه‌ی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، ویژگی‌هایی نسبتاً منسجم و یکپارچه دارد که می‌توان از آن به نام گفتمان یاد کرد و این گفتمان اثر مستقیم بر فضا و شیوه‌ی نگرش بر مدیریت آن دارد، به همین دلیل می‌توان با استفاده از چنین تحلیلی، مدیریت سیاسی فضا در یک جامعه را تشریح و صورت‌بندی کرد و کشور کوبا، که بعد از انقلاب ۱۹۵۹ شرایط خاصی را از نظر اقتصادسیاسی و بینش رهبران جدیدش به جامعه، سیاست و اقتصاد تجربه می‌کرد، برای این تحلیل انتخاب شده است.

روش پژوهش

ماهیت این پژوهش اکتشافی بوده و از نظر محتوا توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده و روش نیز متأثر از روش‌های فرا اثبات گراست و تحلیل گفتمانی یکی از همین روش‌های فرا اثبات‌گراست که در علوم انسانی در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش سعی شده تا ابتدا ویژگی‌های کوبا را در قالب تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، تشریح کرده و سپس تأثیر گفتمان حاکم بر کوبا را در مدیریت سیاسی این کشور بعد از انقلاب علیه باتیستا (۱۹۵۹) تحلیل و بررسی شود.

محدوده مورد مطالعه

کوبا جزیره‌ای در دریای کارائیب است که مساحتی معادل ۱۱۰۶۸۱ کیلومتر مربع دارد و از جمله کشورهای طویل محسوب می‌شود که طول آن ۱۲۵۰ کیلومتر و حدوداً ۷ برابر عرض کشور است. جمعیت کوبا براساس آخرین سرشماری (۲۰۱۸) بالغ بر ۱۱,۳۸۰,۰۰۰ نفر می‌باشد و حدود ۴۰۰ هزار کوبایی هم در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند. موقعیت ریاضی این کشور ۲۱ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۸۰ درجه طول غربی است. تنها مرز زمینی آن با پایگاه دریایی آمریکا می‌باشد و قسمت غربی کشور در دهانه‌ی خلیج مکزیک و قسمت شرقی آن مشرف به اقیانوس اطلس است (کمالی‌طه، ۱۳۶۱:۳). این کشور اقلیم نیمه استوایی دارد و ۶۰ درصد آن مسطح و برای کشاورزی مناسب است (Huberman & Sweezy, 1960:4).

این کشور از زمان کشف توسط کلمپ تحت استعمار اسپانیایی‌ها بوده است و این مورد بر نژاد مردمان کوبا نیز تأثیر گذاشته به طوری که ۶۴ درصد مردم کوبا سفید پوست و باقی دو رگه و سیاه پوست هستند. اولین جنگ برای استقلال از اسپانیا (۱۸۶۸ تا ۱۸۷۸) ناموفق بود، اما ایالات متحد آمریکا در قیام دوم (۱۸۹۵ تا ۱۸۹۸) مداخله کرد و اسپانیا را مجبور به چشم پوشی از این جزیره ساخت. ولی تا بعد از دو دوره‌ی حکومت امریکایی (۱۸۹۹ تا ۱۹۰۱ و ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۹) استقلال تثبیت نشد (رایس، ۱۳۹۴:۶). تحت حکومت یک رشته از دولت‌های فاسد، اکثر کوبایی‌ها از فقر تحقیرکننده‌ای رنج بردند و سرانجام در سال ۱۹۵۹ دیکتاتوری باتیستا به دست کاسترو و همراهانش سقوط کرد (Hudson, 2001:30).

در قرن بیستم زمین‌هایی که طی مبارزات علیه اسپانیا بین خرده مالکین به صورت گسترده تقسیم شده بود به دلیل توسعه‌ی صنعت نیشکر دوباره دست چند نفر متمرکز شد و کوبا تبدیل به جامعه‌ای بی‌ثبات و صدمه‌پذیر با اقتصادی تک محصولی متشکل از بازرگانان آمریکایی، فتودال‌های کوبایی و کارگران روزمرد شد. حتی اگر دهقان‌ها حقوق خود بر زمین‌هایشان را اثبات می‌کردند، بازرگانان آمریکایی به آسانی این حق را می‌خریدند و طبقات بالای جامعه کوبا نیز

طرفدار منافع بازرگانان آمریکایی بودند؛ به همین دلیل زمین‌های کوبا اغلب و به سرعت به مالکیت آمریکاییان درآمد. سنگینی بار فقر در این جزیره بر دوش کارگران روستایی بود، به طوری که حدود یک میلیون کارگر روستایی زندگی‌شان وابسته به شکر بود و فقط ۱۵ درصد از آن‌ها کار مداوم و سالیانه داشتند. در واقع تعداد کارگران مرتب بیشتر می‌شد اما کار شکر ثابت بود و ارزش کار کارگر به مرور کمتر می‌شد. به بیانی بهتر اربابان حدود ۸۰ درصد از مزارع را اداره می‌کردند اما فقط یک پنجم از آن را کشت می‌کردند. به همین دلیل در این مناطق شکاف وسیعی بین فقیر و غنی ایجاد شد و فقط در همان ۲۰ درصد که در اختیار خرده مالکین بود، به دلیل تنوع بیشتر کشت این شکاف تقریباً کمتر بود. علی‌رغم اینکه کوبا به دلیل اقلیم نیمه حاره‌ای توان تولید مواد غذایی متنوع و متعددی را داشت و زمین قابل کشت زیاد بود، اما فقط نیشکر بود که منافع فئودال‌ها و بازرگانان آمریکایی را تأمین می‌کرد و کشور مجبور بود اغلب مقادیر کثیری برنج و پنبه و ذرت وارد کند. عده کمی از دهقانان نیز که زمین داشتند هم وابسته به زمین داران بزرگ بودند و چیزی بیش از معاش خود به دست نمی‌آوردند. در کوبا به جز زمین‌های متعلق به کمپانی‌های آمریکایی تقریباً تمام زمین‌های خوب متعلق به چند مالک بود که در هاوانا زندگی می‌کردند و سرمایه‌ای که از این املاک بدست می‌آوردند را به پایتخت می‌کشیدند. در واقع چنین وضعیتی بود که منجر به حمایت مردمی عمومی از انقلاب کوبا شد (کمالی طه، ۱۳۶۱: ۳۴-۲۹). جنبش انقلابی کاسترو با حزب کمونیست ادغام شد تا کوبا را با الگوی شوروی بازسازی کند. نیشکر محصول عمده کوبا است و قهوه، ماهی، تجهیزات پزشکی و تنباکو نیز به عنوان دیگر محصولات مهم این کشور به حساب می‌آیند. نیکل پس از شکر دومین کالای عمده صادراتی کوبا می‌باشد، همچنین این کشور به دلیل عدم وجود ذخایر نفتی برای تأمین انرژی از دیرباز نفت از ونزوئلا وارد می‌کند. اقتصاد این کشور در دست نهادهای دولتی متمرکز است اما مزارع متعلق به کشاورزان بوده و طبق قوانین خاص ارضی کوبا آنها حق فروش و واگذاری به غیر، جز از طریق ارث را ندارند (کمالی طه، ۱۳۶۱: ۱۲۱).

بحث و یافته‌ها

گفتمان حاکم بر کوبا بعد از انقلاب ۱۹۵۹

بعد از چهار قرن استعمار اسپانیا در کشور کوبا در اوایل قرن بیست این کشور از اسپانیا استقلال یافت. اما این پایان کار نبود و فقط شروعی بود بر عصری سراسر خفقان و دیکتاتوری و تمامیت خواهی آمریکا و ایادی محلی آن که در همه حال منافع آمریکا و شرکت‌های سرمایه‌گذاری آمریکا را مقدم بر منافع مردم کوبا می‌دانستند، پس از فعل و انفعالاتی که به تشکیل جمهوری دست نشانده و تغییرات قانون اساسی در دهه ۳۰ و ۴۰ میلادی انجامید، یک افسر ارتش به نام باتیستا با کودتا قدرت را در دست گرفت (Huberman & Sweezy, 1960: 25).

در این دوره با تشدید ظلم‌های باتیستا به مردم و حمایت آمریکا از او، گروهی از همان ابتدا به مخالفت با ظلم‌های او به شکل سازمان نیافته پرداختند و عرصه را بر او تنگ کردند. در این دوره طبقه کارگر، دهقانان بدون زمین و سایر اقشار

۱. در بسیاری از متون علمی سیاسی و جامعه‌شناختی، بی‌توجهی به ترمینولوژی در استفاده نا به جا و به جای هم از عبارات کمونیسم / کمونیست / کمونیستی، مارکسیسم / مارکسیست / مارکسیستی، سوسیالیسم / سوسیالیست / سوسیالیستی، به اوج خود رسیده، لذا نگارندگان نهایت دقت را در به کارگیری این واژگان به کار برده‌اند.

۲. طی سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۲ بارها در کوبا، کودتا، شبه انقلاب و جنبش‌ها و شورش‌های اجتماعی شکل گرفت، علاقمندان می‌توانند برای آشنایی بیشتر با سیر تحولات کوبا در آن سال‌ها به کتاب «مسائل نیمکره غربی: کوبا، کاسترو، انقلاب» تألیف منوچهر کمالی طه مراجعه کنند.

جامعه سنتی و مذهبی کوبا مورد استثمار و بهره‌کشی فئودال‌ها، بازرگانان آمریکایی، طبقه سرمایه‌دار و در رأس همه آنها دیکتاتور و اطرافیان او قرار گرفته بودند. طبقه کارگر که اغلب آنها را کارگران مزارع نیشکر و معادن کبالت و نیکل تشکیل می‌داد هر روز ساعت‌ها به کار طاقت فرسا و جان فرسا با درآمدی اندک مشغول بودند و با توجه به شروع و شیوع جنبش‌های کارگری در سراسر جهان بارها به اعتصاب‌ها و اعتراض‌های گسترده دست زدند، اما نبود یک رهبر و یک سازمان قوی کارگری باعث شد که این اعتراض‌ها ره به جایی نبرد. خفقان وحشتناک و وضعیت اسفبار مردم کوبا چه در دوران باتیستا و چه قبل از آن با انقلاب اکتبر روسیه، انقلاب چین و رواج اندیشه‌های کمونیستی هم‌زمان شده بود و همین امر باعث شد رفته رفته این اندیشه‌ها از طریق برخی تئوریسین‌ها و روشنفکران کوبایی، به این کشور نیز تزریق شود. وضعیت بهداشت در کوبا بسیار نگران کننده بود؛ فقر و بی‌سوادی در کشور بیداد می‌کرد و از سویی دیگر باتیستا ظلم‌های زیادی را بر مردم روا می‌داشت و کشور آمریکا مدام در امور این کشور دخالت می‌کرد، که دلایل این دخالت یکی نگرانی از رشد کمونیسم در این کشور و دیگری به خطر افتادن سرمایه‌گذاری‌های آمریکا در کوبا بود. رفته رفته اندیشه‌های کمونیستی وارد جامعه کوبا شده و به دلایل فوق طرفداران زیادی هم پیدا کرده بود. سرانجام در دهه ۵۰ میلادی اعتراضات علیه باتیستا شکل سازمان یافته‌تر به خود گرفت و گسترده‌تر شد. فیدل کاسترو، رائول کاسترو، ارنستو چه‌گوآرا و تنی چند از روشنفکران و تحصیلکرده‌های کوبایی که با اندیشه مارکسیسم آشنا شده و آن را پذیرفته بودند مردم را علیه باتیستا تحریک و تهییج می‌کردند و با آگاهی بخشی سعی داشتند طبقه کارگر و سایر اقشار ملت کوبا را که تحت فشار اقلیت حاکم بودند، تشویق به انقلاب کنند. طولی نکشید که خشم و انزجار علیه باتیستا همه‌گیر شد و مردم به رهبری کاسترو و تنی چند از روشنفکران لیبرال و کمونیست، جنبش خلق کوبا را در جهت براندازی حکومت باتیستا به راه انداختند و این جنبش بعد از چند سال بالاخره در سال ۱۹۵۹ با خون کارگران، دهقانان و تلاش‌های گسترده رهبر کاریماتیک کوبا (فیدل کاسترو) به بار نشست و حکومت دیکتاتوری باتیستا سقوط کرد (عظیم زاده، ۱۳۸۶: ۳۰-۳۳).

این انقلاب توده‌ها علیه حاکم که منشأ کمونیستی با رگه‌هایی از ناسیونالیسم داشت باعث شد دو سال بعد از انقلاب حزب کمونیست اداره امور را به دست گیرد و فیدل کاسترو را که محبوبیتی وصف ناپذیر نزد کوبایی‌ها داشت را به رهبری (ریاست جمهوری) کشور برگزیند. البته در سال‌های ابتدایی انقلاب، کمونیست‌ها فقط بخشی از قدرت را در دست داشتند، اما وقایع بعدی باعث هژمونیک شدن سوسیالیسم و استیلای کمونیست‌ها بر کشور شد. به دلیل ساخت ایدئولوژیک این انقلاب؛ حکومت جدید سعی داشت کنترل تامه‌ای را در سراسر کوبا داشته باشد و دست به اقدامات و اصلاحات گسترده در جهت رفع نابرابری‌ها و همین‌طور آگاهی بخشی به طبقه کارگر زد. این ساخت ایدئولوژیک که گفتمان مارکسیسم را در کشور حاکم کرده بود، ویژگی‌هایی داشت که باعث شد علی‌رغم بسیاری مشکلات کوبا چند دهه در برابر امپریالیسم جهانی مقاومت کند. وجود یک دال مرکزی قدرتمند و مدلول‌هایی گسترده و کاریمای خاص رهبران انقلاب از عوامل موثر در این زمینه بودند.

دال مرکزی: دال مرکزی گفتمان و ایدئولوژی مارکسیسم در عدالت و نظام بدون طبقه خلاصه می‌شد. شعار برابری همه مردم کوبا از طرف حزب کمونیست و فعالین کارگری خیلی زود وارد ادبیات اغلب مردم شد و بسیار مقبول واقع شد و توانست سایر نشانه‌ها را حول محور خود جمع و جذب کند. از دلایل قدرت و هژمونی این دال مرکزی ظلم بی‌حد و

1 .Raúl Castro

2 .Ernesto Che Guevara

حصر رژیم گذشته به عموم مردم کوبا بود که باعث شد مردم فقیر کوبا از گفتمان عدالت محور استقبال بی نظیر داشته باشند.

مدلول‌ها: نشانه‌ها و عوامل زیادی به تقویت دال مرکزی کمک کردند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: **حمایت شوروی:** شوروی که در رأس بلوک شرق رقابت بزرگی در دوره جنگ سرد با آمریکا داشت از انقلاب‌های سوسیالیستی حمایت می‌کرد و یکی از این انقلاب‌ها؛ انقلاب کوبا بود. حمایت شوروی مدلولی بسیار قوی در جهت تقویت دال مرکزی گفتمان مارکسیسم در کوبا بود. این حمایت‌ها شامل حمایت اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی می‌شد (Alonso, 2011: 31). رهبر کوبا نیز با رهبران شوروی روابط حسنه داشت. به جز شوروی سایر دشمنان آمریکا در بلوک شرق نیز در حد توان از کوبا و نظام این کشور حمایت می‌کردند و جزو مدلول‌های خارجی بودند، به همین جهت همواره از فروپاشی شوروی در کوبا با نام «دوره ویژه» یاد می‌شود.

ضدیت با آمریکا: اغلب مردم فرودست و زحمتکش کوبا خاطره خوشی از آمریکا نداشتند و این کشور را دشمن دیرینه خود می‌دانستند. پنج دهه استثمار و بردگی برای شرکت‌های آمریکایی در کوبا، استفاده حداکثری آمریکا از مردم کوبا در جهت امیال جنسی و تجاری، حمایت آمریکا از مرتجع‌ترین حکام وقت و برخورد تحقیر آمیز آمریکایی‌ها با کوبایی‌ها در کشور خودشان از دلایل اصلی این انزجار بود (عظیم زاده، ۱۳۸۶: ۱۴). آمریکا بعد از انقلاب کوبا با توجه به از دست رفتن منافعش و همچنین به دلیل رقابت با شوروی، برای این کشور بارها مشکلاتی از قبیل اعمال تحریم‌های اقتصادی وحشتناک تا حمله نظامی ایجاد کرد. همین امر باعث تشدید نفرت مردم کوبا از حکومت آمریکا شد و مردم همدلانه در جهت بهتر شدن وضعیت کوبا در مقابل آمریکا تلاش زیادی کردند. تحریم و فشار آمریکا بالغ بر نیم قرن ادامه داشته و خشم عمومی را در نزد مردم کوبا موجب شده بود. تداوم همین فشارها دال عدالت و گفتمان حاکم بر کوبا را تقویت کرده است.

سندیکاهای کارگری: با وقوع انقلاب طبقه کارگر ولو در ظاهر حقوق بسیاری را از نظر مدنی و اقتصادی به دست آورد و توانست در جهت احقاق حق خود گام‌های بزرگی بردارد. همین امر موجب آن شد که صنوف قوی کارگری شکل گیرد که این صنوف علاوه بر حمایت از کارگران در جهت‌های مختلف، گفتمان انقلاب را نیز نزد کارگران تثویز می‌کرده و به تقویت دال مرکزی کمک نمودند.

انترناسیونالیسم کمونیستی: اندیشه مارکسیسم با نفی اهمیت زیربنایی ملیت، نژاد و ناسیونالیسم معتقد است، مردم جهان دو دسته‌اند، سرمایه‌دار و کارگر. این اندیشه و همچنین وجود اندیشه حق تعیین سرنوشت به عنوان یک اسلوب مارکسیستی، باعث شده مردم کوبا با اغلب فرودستان جهان احساس همبستگی کنند و همیشه خود را در برابر بلوک غرب و امپریالیسم آمریکایی ببینند. نفرت عمومی از اقلیت سرمایه‌دار و مرفه که به آمریکا مهاجرت کرده بودند نیز قابل توجه بود. کوبائی‌ها برعکس یانکی‌ها یک چینی را شرقی عقب مانده و یک تانزانایی را سیاه کله پوک فرض نمی‌کردند و با کارگران سراسر جهان احساس همبستگی می‌کردند. همین مورد نیز به تقویت گفتمان عدالت و برابری و ایدئولوژی انقلابی کوبا کمک می‌کرد.

رفاه اجتماعی و تغییرات بنیادین در ساختار طبقات: شعار برابری در کوبا یک شعار نظری باقی نماند و به دلیل باور کاسترو و یارانش به این مورد تا حدی به تحقق پیوست. بهره‌کشی از کارگران متوقف شد، ساعت‌های کار کاهش و حقوق کارگران افزایش یافت، شعار ریشه‌کن کردن بی‌سوادی با حق تحصیل رایگان تا هر سطح به تحقق پیوست و کوبا

هم اکنون با نرخ ۱۰۰ درصدی باسوادی؛ یکی از با سوادترین کشورهای جهان محسوب می‌شود (UNSD, 2015). مردم که از بیماری‌های زیادی رنج می‌بردند و مرگ و میر در اثر بیماری در کوبا غوغا می‌کرد خواهان ارائه خدمات پزشکی بهتری بودند و در دوره پیش از انقلاب این خواسته‌ها محقق نشده بود و به همین دلیل تلاش گسترده‌ای نیز در جهت ریشه‌کن کردن بیماری‌ها و همین طور بالابردن سطح بهداشت عمومی و فردی آغاز شد که طی ۴۰ سال به ثمر نیز نشست. هم اکنون در کوبا نرخ امید به زندگی ۸۰ سال و مرگ و میر در اثر بیماری بسیار ناچیز است. همچنین خدمات پزشکی تا هر سطح در اختیار دولت بوده و کاملاً رایگان است (WHO, 2016).

همچنین، کوبا سالانه ۵۰۰ پزشک و مقادیر زیادی تجهیزات و اقلام پزشکی به کشورهای آفریقایی می‌فرستد تا مردم فقیر آفریقا را درمان کنند (Alonso, 2011: 27). سلامت بهداشتی مردم کوبا در جهان سرآمد و زبان‌زد است و در نهایت برای مدیریت بحران‌های طبیعی تمهیدات اساسی اندیشیده شده به نحوی که در مقایسه با کشوری نظیر آمریکا، سوانح طبیعی کمترین میزان خسارت جانی را داراست. مواردی که بدان‌ها اشاره شد تنها بخشی از خدمات حکومت نیمه سوسیالیستی به مردم کوبا است؛ اما همین موارد به عنوان مدل‌هایی بسیار قوی و مؤثر عمل کردند و به تقویت گفتمان عدالت محور در این کشور کمک نمودند.

رهبران انقلاب: یکی از مهم‌ترین مدل‌های گفتمان رایج در کوبای بعد از انقلاب محبوبیت فیدل کاسترو، رائول کاسترو، رامون کاسترو، کامیلو سینفونگوس^۱ و بالاکس چه گوآرا نزد مردم بود. مردم که این افراد را ناجی خود می‌شناختند بسیار با احترام با آنها برخورد می‌کردند و برای مثال با رضایت تمام رهبری کشور را به کاسترو سپردند. عکس چه گوآرا و کاسترو به زودی وارد آلبوم خانوادگی بسیاری از مردم کوبا شد. این محبوبیت و کاریزما و احترام باعث شد مردم حرف شنوی خاصی از همه نظر از آن‌ها داشته باشند و چون مبلغ گفتمان جدید نیز همان‌ها بودند؛ پس دال مرکزی تقویت شد و رهبران نقش یک مدل‌های بسیار قوی را در جهت هژمونیک کردن گفتمان انقلابی ایفا کردند. رهبر انقلاب کوبا در واقع یک منبع قدرت نیز در کشور به حساب می‌آمد و اختیارات وسیعی برای قانون گذاری داشت (Domigoes, 2003: 232) و همین امر موجب می‌شد به راحتی گفتمان انقلابی بازتولید شود.

قابلیت دسترسی و اعتبار: گفتمان رایج در کوبای بعد از انقلاب به راحتی به جامعه سنتی این کشور عرضه شد، سخنرانی‌های پرشور و طولانی فیدل کاسترو در مجامع عمومی مردم را به اهداف مارکسیسم و گفتمان عدالت محور و برابری طلب آگاه کرد و به مذاق خیلی از مردم خوش آمد و چون مردم تجربه تلخ دوره استعمار اسپانیا، آمریکا و استثمار باتیستا و وابستگانش را فراموش نکرده بودند، گفتمان جدید نزد آنها اعتبار یافت.

زنجیره هم‌ارزی: در گفتمان جدید کوبا پس از انقلاب، علی‌رغم تفاوت‌های زیادی که مردم کوبا باهم چه از نظر سرمایه، چه از نظر نژاد و چه از نظر سواد داشتند، منطبق گفتمان انقلابی کوبا این تفاوت‌ها را به حاشیه برد و با تقویت مدل‌ها و دال مرکزی خود و تبیین مداوم دلایل دشمنی با آمریکا و همین‌طور در برخی اوقات با برخورد قهرآمیز با نیروی اجتماعی زنجیره تفاوت^۲ و حوزه گفتمان‌گونگی، تفاوت‌ها با قبل را آشکار کرده و زنجیره هم‌ارزی (انحلال تفاوت-)

1 .Ramon Castro

2 .Camilo Cienfuegos

۳ . این زنجیره در برابر زنجیره هم‌ارزی قرار گرفته و دارای نیروی اجتماعی حاصل از حوزه گفتمان‌گونگی است. در واقع، گفتمان از زنجیره هم‌ارزی و حوزه گفتمان‌گونگی (گفتمان رقیب) از زنجیره تفاوت استفاده می‌کند. این مفهوم در کنار انسداد و توقف و حوزه گفتمان‌گونگی، معنا یافته و در واقع با فراگیری مفاهیم یادشده است که درک آن آسان می‌شود.

ها) را شکل داد.

انسداد و توقف: در دوره‌هایی از عمر نظام سوسیالیستی کوبا طی ۶۰ سال اخیر، این گفتمان با ضعف‌هایی رو به رو شد. همه مردم کوبا با نظام جدید موافق نبودند و اپوزیسیون تحت حمایت آمریکا مشکلاتی را برای گفتمان عدالت محور و برابری طلب ایجاد می‌کرد. همین امر باعث شد گفتمان دچار وقفه و انسداد شود که البته این انسدادها با تغییراتی که در سال ۱۹۹۲ در قانون اساسی اعمال شد، مرتفع شد؛ اما امروز بار دیگر گفتمان انقلابی کوبا دچار انسداد شده است.

اسطوره و وجه استعاری: در کوبای بعد از انقلاب رفته رفته این برابری خواهی تبدیل به یک هدف مردمی شد و از آن به عنوان موضوعی مقدس مآبانه یاد شد و آرمان و هدف برابری و نظام بی طبقه در کوبا و در مقطعی همه جهان تبدیل به یک اسطوره شد.

حوزه گفتمان‌گونگی: حوزه گفتمان‌گونگی در کوبا سعی دارد دال‌های شناور را جذب کند و هژمونی و تثبیت معنای گفتمان رایج را از بین برده یا تضعیف کند. حوزه گفتمان‌گونگی در تقابل با گفتمان عدالت محور و سوسیالیستی کوبا، کاپیتالیسم، آزادی‌های اجتماعی و اقتصادی است. این حوزه گفتمان‌گونگی در خود کوبا و کشور آمریکا که جمعیت قابل توجهی از اپوزیسیون کوبا را در خود جای داده، شکل گرفته است که با اندیشه‌های مارکسیستی و سوسیالیسم، مخالف بوده و توانسته برخی نشانه‌های شناور را جذب خود کند. این حوزه گفتمان‌گونگی علاوه بر اینکه سعی دارد گفتمان رایج کوبا را متزلزل کرده و هژمونی آن را نابود کند، اثر سو نیز داشته و باعث شده حامیان گفتمان کنونی با بهره‌گیری از مسئله ضدیت و غیریت و تبدیل این حوزه به یک دشمن خارجی برای گفتمان خود، گفتمان خود را تقویت کرده و مردم را علیه این حوزه تهییج کنند که اغلب در این امر موفق بوده‌اند. یکی از دلایل عدم اقبال عمومی مردم به حوزه گفتمان‌گونی، حضور این حوزه در خارج از مرزهای کوبا است، در نظر بسیاری از کوبایی‌ها و در واقعیت امر، اپوزیسیون فعلی همان‌هایی هستند که مدت‌ها با همکاری شرکای آمریکایی خود به استثمار کارگران و دهقانان کوبایی مشغول بودند و بعد از تغییر اوضاع هم آنقدری ثروت جمع کرده بودند که به راحتی از کشور خارج شده و در بهترین ایالت‌های آمریکا به ادامه زندگی مرفه خود پرداختند. اما عواملی مانند زیاده خواهی وابستگان به حکومت کوبا و همین طور سطح پایین آزادی‌های مدنی باعث شده این حوزه طرفدارانی نیز داشته باشد. دال مرکزی این حوزه آزادی اقتصاد و سرمایه و مدلول‌های آن آزادی بیان و عقیده، آزادی استفاده از اینترنت، آزادی تملک خصوصی (و نه شخصی) و موارد این چنینی است.

گفتمان حاکم بر کوبا و تاثیر آن بر مدیریت سیاسی فضا

حکومت کوبا برای تثبیت هژمونی خود دست به کارهای مثبت و منفی زیادی زده است. یکی از این موارد اصلاح و تغییر در مدیریت سیاسی فضا است. در کوبای پیش از انقلاب بجز هاوانا که پایتخت این کشور است، باقی نواحی از نظر توسعه انسانی و اجتماعی در سطح بسیار پایینی قرار داشتند. قمار، شرارت، بی بندوباری جنسی و گذران شبانه‌روزی اوقات در کازینوهای آمریکایی، مردم هاوانا را کاملاً متفاوت با بقیه اهالی کوبا کرده بود. در آستانه انقلاب، ۵۷ درصد کوبا شهرنشین و بقیه روستایی بودند، در دو ایالت پینار و اولگین، ۸۰ درصد ساکنین روستا نشین بودند و این آمار برای هاوانا برعکس بود (Nelson, 1986: 158). درآمد سرانه در هاوانا ۳۱۲ دلار و در دیگر ایالت‌ها ۱۷۰ دلار بود (کمالی

۱. واحد پول کوبا پژو می‌باشد که در آن سال‌ها نرخ تقریباً مشابه دلار آمریکا داشت، در همان سال‌ها در فقیرنشین‌ترین ایالت‌های آمریکا درآمد سرانه بیش از ۸۰۰ دلار بود.

طه، ۱۳۶۱:۹). روستاهای این کشور که مزارع نیشکر را در خود جای داده بودند، از نابرابری فضایی رنج می بردند و منابع دولتی خاصی به آنها تزریق نمی شد و با بی توجهی رو به رو بودند و به قول یک روزنامه نگار کوبایی دولت وقت جز در زمان انتخابات کاملاً آنها را فراموش کرده بود (عظیم زاده، ۱۳۸۶:۸۱). از آن گذشته وجود قشر کثیری از کارگران کشاورز و کارگران معادن در روستاها که فاقد مسکن مناسب بودند، باعث شده بود که وضع معیشتی و بهداشتی اسفبار باشد. به جز هاوانا در سایر نواحی سواد آموزی معنایی نداشت، بیماری امان مردم را بریده بود. در چنین شرایطی اصلاح سازمان سیاسی ضروری به نظر می رسید. عمده ترین دلیل تغییر و اصلاح در سازمان سیاسی فضا به جز موارد فوق ضرورت تثبیت هژمونی گفتمان از طریق آگاهی بخشی به مردم و همین طور کنترل شدید بر غیر (حوزه گفتمانگونی) بود؛ حکومت کوبا کشور را به ۱۶ ایالت و هر ایالت را به چند بخش تقسیم کرد (جدول ۱) در حال حاضر ۷۶ درصد مردم کوبا در نواحی شهری زندگی می کنند و این کشور دارای ۱۶۹ منطقه شهری است (Truyol, 2014:46).

جدول شماره ۱. تقسیمات کشوری کوبا^۱

ایالت	جمعیت (درصد)	مساحت (درصد)	مناطق شهری	دفاتر حزب کمونیست	شماره روی نقشه
پینار دل ریو	۵/۳۲	۸/۳۲	۱۱	۴	۱
آرتمیسا	۴/۴۹	۳/۷۵	۹	۲	۲
هاوانا	۱۹/۷	۷	۱۴	۷	۳
مایاکیه	۳/۴۱	۳/۴۹	۹	۳	۴
ماتانزاس	۶	۱۰	۱۲	۴	۵
سینفونگوس	۳/۵۴	۳/۹	۷	۴	۶
ویاکلارا	۷/۳۱	۷/۶	۱۳	۵	۷
سانکتی	۴/۱۲	۶/۳	۷	۴	۸
ده آویلا	۳/۶۸	۵/۶	۶	۶	۹
کاماگویی	۷/۰۲	۱۳/۲	۱۴	۶	۱۰
لاس توناس	۴/۷	۶	۱۰	۴	۱۱
گرانما	۷/۳۶	۷/۹	۱۴	۴	۱۲
اولگین	۹/۱۴	۸/۵	۱۷	۶	۱۳
سانتیاگو	۹/۲۷	۵/۹	۱۶	۶	۱۴
گوانتانامو	۴/۵۴	۶	۷	۵	۱۵
خوبنتود	۰/۷۷	۱/۲	۱	۱	۱۶

همانگونه که در (جدول ۱)، ملاحظه می شود، هاوانا پایتخت و پرجمعیت ترین ایالت و کاماگویی بزرگترین ایالت می باشد. هر ایالت علاوه بر اینکه نهادهایی مربوط به قوه مقننه، قضاییه و مجریه دارد، دارای دفاتر حزب کمونیست نیز می باشد که وظیفه آنها پیشبرد اهداف حزب و همین طور حمایت از سندیکاها می باشد و علاوه بر این، مراکز حزب کمونیست بر رسانه های محلی نیز نظارت می کنند و خود نیز مسئول رسانه های دولتی می باشند و وظایف آنها سیاسی - اجتماعی و فرهنگی است. هر کدام از نواحی شهری یک کرسی در فرایند انتخابات مجلس قدرت خلق داشته و در مجموع ۱۶۹ حوزه انتخاباتی وجود دارد (Hudson, 2001:233-243).

۱. اطلاعات این جدول از ویکی پدیا و وب سایت حزب کمونیست کوبا استخراج و توسط نگارندگان در جدول تجمیع شده است.



شکل شماره ۱. تقسیمات سیاسی کشور کوبا

برخی از ایالت‌ها تعداد بیشتری از دفاتر حزب را در خود جای داده‌اند که در اکثر موارد تعداد دفاتر حزب تابعی از مساحت و جمعیت ایالت است. در نحوه تقسیم‌بندی ایالت‌ها به بخش‌های مختلف به وضوح تأثیر گفتمان ایدئولوژیک دیده می‌شود. مثلاً میدان اصلی هاوانا بعد از انقلاب به میدان انقلاب تغییر نام داد (Gonzalez, 2015)، بعضی شهرها به اسم انقلابیون بزرگ کوبا نام‌گذاری شده‌اند و چندین بخش هم در ایالت‌های مختلف وجود دارند که انقلاب کوبا در تبدیل آن‌ها از روستا به شهر مؤثر بوده است. به این طریق که این روستاها چون زادگاه انقلابیون بوده‌اند و برخی جنبش‌ها در آنجا شکل گرفته است، دارای نیروهای مردمی و سوسیالیست و کمونیست زیادی بوده‌اند و همین امر باعث شده به آن‌ها توجه شود و به دلیل تخصیص برخی امکانات شهری به تدریج به شهر تبدیل شده‌اند. برخی از بخش‌ها نیز تحت تأثیر افزایش جمعیت تبدیل به شهر شده‌اند که این افزایش جمعیت‌ها به دلیل زاد و ولد نبوده و در اثر برخی مهاجرت‌های بین شهری و روستا-شهری صورت گرفته است. عمده‌ترین تغییری که مدیریت سیاسی فضا به خود دیده، در واقع تبدیل شدن جامعه روستایی و عقب مانده کوبا به یک جامعه با ۷۶ درصد مردم شهرنشین می‌باشد، از اقدامات مهم و مؤثر انقلابیون کوبا برای گسترش شهرنشینی، ساخت مسکن اجتماعی برای کارگران و مهاجران با استفاده از پول‌های مصادره شده از مالکان شرکت‌های شرط بندی و قمار در هاوانا بود که به صورت رایگان در اختیار مردم قرار گرفت، دیگر اقدامی که برای تسهیل روند شهرنشینی و حل مسئله مسکن صورت گرفت، اجباری کردن فروش خانه‌های متروک و خالی به بی‌خانمان‌ها بود، ملاکین به دلایل اقتصادی حاضر به خالی ماندن خانه می‌شدند، اما آن را به قیمت ارزان به کارگران نمی‌فروختند، این اقدامات (ساخت مسکن اجتماعی و خانه دار کردن دهقانان) عملاً سفته بازی را که شاهراه پر سود ارتزاق ملاکین بود را خراب کرد (کمالی طه، ۱۳۶۱؛ ۱۹۳-۱۸۸). برای مدیریت بهتر فضا، صنعت گردشگری در کوبا ملی شد، مراکز بیلاقی و تفرجگاه‌هایی که قبلاً مختص اقلیت مرفه و مسافران آمریکایی بود، به طور رایگان و گاه با هزینه‌های ناچیز به عموم واگذار شد و همه حق حضور در سواحل را پیدا کردند، همچنین، شرکت برق و تلفن نیز دچار تغییراتی شد، تلفن و برق در دوره زمامداری باتیستا متعلق به آمریکایی‌ها بود و تمامی خدمات شهری با نظارت و ریاست مستشاران آمریکایی صورت می‌گرفت؛ سود حاصل نیز مستقیماً به حساب آن‌ها واریز می‌شد، در خارج از هاوانا عده کمی برق و تلفن داشتند و نرخ استفاده از این خدمات در خارج از هاوانا دو و نیم برابر بود و عملاً عده کمی توان استفاده از این خدمات را داشتند، با وقوع انقلاب نرخ برق و تلفن در خارج از هاوانا کاهش یافت و به دلیل سودآور نبودن این نرخ‌ها برای شرکت آمریکایی آن‌ها به تدریج مدیریت نیرو را در کوبا به حکومت کوبا سپرده و به کشور خود بازگشتند. اما

اصلاحات ارضی یکی از جدی‌ترین اقداماتی بود که توده مردم را با انقلاب همراه کرد، به فاصله کمی از انقلاب، کاسترو شخصاً به مناطق روستایی رفت و طبق مقررات جدید، زمین‌هایی که کشاورزان در آن‌ها کار می‌کردند و منافع‌شان را شرکت‌های آمریکایی به جیب می‌زدند را بین کشاورزان تقسیم کرد، طی این اقدامات ۴۰۰ هزار زاغه‌نشین و مستأجر بدون زمین، صاحب زمین شدند، فروش، تقسیم و واگذاری زمین جز از طریق ارث نیز برای کشاورزان ممنوع شد. دولت انقلابی کوبا امیدوار بود با اصلاحات ارضی استفاده از منابع طبیعی کشور عاقلانه‌تر شده و بهره مالکانه و اجاره‌داری زمین ریشه کن گردد؛ در این قانون تملک زمین بیش از یک مقدار مشخص ممنوع شد، همچنین صاحبان زمین موظف و ملزم به زیر کشت بردن زمین بودند. به دلیل اینکه زمین کافی برای تقسیم میان همه وجود نداشت و برخی کارشناسان تقسیم زمین به قطعات بسیار کوچک را از نظر بهره‌وری و برای کشت نیشکر مناسب نمی‌دانستند، در بسیاری از مناطق تعاونی‌های کشاورزی شکل گرفت تا حداکثر بهره‌وری و کارایی تضمین و تامین شود و همچنین با برقراری سیستم کشاورزی تعاونی، تولید محصولات متعدد و توسعه اقتصادی محقق شده و خدمات عمومی نیز از این طریق افزایش پیدا کند. هر تعاونی از چند عنصر انقلابی و دارای سواد آکادمیک بهره می‌برد که وظیفه داشتند شیوه‌های بازاریابی و تکنیک‌های جدید کشاورزی برای تولید محصولات را به روستاییان بیاموزند و با عایدی حاصل از محصولات تعاونی، وسایل رفاهی، بهداشتی، آموزشی و تفریحی روستا نشینان را تأمین کنند. همچنین اجناس مصرفی نیز در میان فروشگاه‌های تعاونی توزیع می‌شد تا روستاییان بدون حضور در شهر مایحتاج زندگی را تأمین نمایند. قانون اصلاحات ارضی در کوبا علاوه بر مواد و تبصره‌های فراوان که شرح آن‌ها در این مقاله نمی‌گنجد، اهداف درازمدتی داشت که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به متنوع کردن محصولات در جهت خودکفایی، به کار بردن تکنیک‌های پیشرفته در کار کشاورزی، تولید محصولاتی برای صادرات نظیر ذرت، بهبود وضع نواحی عقب‌افتاده و گسترش توأمان کشاورزی و شهرنشینی اشاره کرد که طی چهار دهه بسیاری از این موارد محقق شد.

طی چندین سال برای اغلب مناطق عقب افتاده کوبا درمانگاه، دبستان و دبیرستان نیز ساخته شد. مسئله آموزش نیز که جزو مدلول‌های ثانویه گفتمان انقلابی و ایدئولوژیک کوبا است نیز در مدیریت سیاسی فضا نقش دارد. در دوران باتیستا ۸۷ درصد از پسران و ۹۱ درصد از دختران بین ۱۵ تا ۱۷ سال بی‌سواد بودند، کمبود معلم یکی از بزرگترین معضلات بود و فضاهای آموزشی نیز بیشتر مختص هاوانایی‌ها بود، اما در جامعه متأثر از گفتمان عدالت محور کوبا، تقسیم نواحی و بخش‌ها به گونه‌ای است که در هر بخش مدارس برای تحصیلات مقدماتی و تکمیلی و آکادمیک پیش بینی شده است و بخش‌های کوچکی که فاقد فضای آموزشی بوده‌اند، فقط به همین دلیل در بخشی دیگر ادغام شده‌اند. آموزش رایگان تا هر سطح در کوبا از دهه ۷۰ میلادی اجرا شده است و کودکانی که به دلیل ضعفهای جسمانی و غیره قادر به حضور در مدارس نیستند با هزینه دولت از آموزش خصوصی بهره‌مند می‌گردند (Alonso, 2011: 32-36). کوبا از منظر توجه به توسعه پایدار و طرح‌های آمایش سرزمین نیز الگویی تمام و کمال برای بیشتر کشورهای مستعد خطرات طبیعی است، طوفان هاروی که قاره آمریکا را با صدها کشته در نوردید، در کوبا با مشارکت مردم و سازماندهی حکومت به خوبی مدیریت شد، برنامه‌ریزی و آموزش همه جانبه مردم، تعیین مناطق اسکان اضطراری چند ماه قبل از وقوع طوفان، تمرین عملیات تخلیه منازل در شرایط عادی، ارجحیت اخبار حوادث طبیعی و اطلاع رسانی در این زمینه نسبت به همه اخبار موجود در کشور و مواردی از این قبیل، فقط گوشه‌ای از اقدامات پیشگیرانه حکومت و مردم کوبا برای مقابله با چنین سوانحی است (مارکتیج، ۱۳۹۶). در زمینه بهداشت و پزشکی نیز وضعیت به همین ترتیب است، مثلاً ویروس زیکا که در

سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ همه آمریکا و قسمت هایی از آفریقا را در نوردید، یک مورد هم در کوبا گزارش نشد.

گفتمان حاکم بر کوبا و تاثیر آن بر ساختار سیاسی

قانون اساسی: قانون اساسی کوبا که در سال ۱۹۷۶ تصویب و با رأی حداکثری لازم الاجرا شده بود، پس از فروپاشی شوروی و در کنگره چهارم حزب کمونیست کوبا در سال ۱۹۹۲ مورد بازنگری قرار گرفت، شورای وزیران و اعضای مجلس خلق، مواد قانون را طرح و بررسی کردند، کمیته مجلس شورای خلق و چندین سازمان کارگری در این بازنگری نقش نظارتی داشتند (Hudson, 2001: 229-232). قانون اساسی کوبا جامع‌ترین سند فرادستی معتبر در کوبا است که به شرح کامل اهداف و آرمان‌های انقلابی پرداخته و به نوعی مانیفست حزب کمونیست کوبا نیز هست. تغییرات قانون اساسی در سال ۱۹۹۲ که در واقع راهی برای حل «انسداد» گفتمان انقلابی بود، به همین دلیل بیشتر در حوزه اقتصادی و ایدئولوژیک برجسته بود، برای مثال، مالکیت خصوصی که تا آن سال جز برای زمین‌های کشاورزی به رسمیت شناخته نمی‌شد، برای جذب سرمایه‌های خارجی تا حدی مجاز شمرده شد و مالکیت دولتی محدود به ابزارهای اساسی تولید و ابر شرکت‌ها و صنایع سنگین شد (ماده ۱۴)، همچنین تاکید بر ماتریالیسم جای خود را به آزادی مذهب داد (ماده ۱۵ و ۵۴) و بندهایی نیز در ستایش ناسیونالیسم به قانون اساسی اضافه شد (ماده ۷) و آزادی‌های مدنی بیشتری برای مردم پیش بینی شد و در نهایت جرح و تعدیلی در نحوه انتخاب اعضای شورای وزیران و مجلس خلق صورت گرفت به نحوی که حتی انتخاب روسای دادگاه‌های محلی نیز به مردم سپرده شد. همچنین در خلال اصلاح قانون اساسی، قوانین ایالتی کوبا نیز دچار تغییراتی شد و مناطق شهری افزایش پیدا کرده و اداره امور آن‌ها به دولت محلی برآمده از انتخابات توده ای سپرده شد، در حالی که تا آن زمان اداره مناطق شهری بر عهده دفاتر حزب کمونیست بود (قانون اساسی کوبا، ۱۹۹۲).

تمرکز گرایی: نوع حکومت در کوبا تمرکزگرا و بسیط است و اختیارات اصلی و نهادهای حکومتی همه در هاوانا متمرکز شده‌اند. همه ایالت‌ها زیر نظر دولت مرکزی هستند و در تصمیمات مهم تابع دولت بوده و خود مختاری خاصی ندارند. این تمرکز گرایی نیز یکی از سیاست‌های مربوط به گفتمان انقلابی کوبا می‌باشد. خود مختاری در سطح گسترده به دلیل احتمال کارشکنی‌های اقتصادی و تعامل با کشور آمریکا از همان آغاز انقلاب در این کشور تقبیح شده و تا سال‌های متمادی احتمال خودمختار شدن ایالت‌ها وجود ندارد. ایالت‌ها در امور محلی اختیارات کامل دارند و تمام ارکان دولت محلی توسط مردم محل انتخاب می‌شوند، اما خط مشی اغلب سیاست‌های محلی را نیز دفاتر حزب کمونیست در همان جا تعیین می‌کنند، البته این مورد بعد از اصلاح قانون اساسی دچار تغییراتی شده است.

انتخابات: شیوه انتخابات در کوبا تقریباً منحصر به فرد است، در انتخاباتی که تعداد نامزدها با تعداد کرسی‌ها برابر است (مجلس قدرت، شورای شهر و رئیس شورای وزیران) مردم محق هستند تا رأی خالی در صندوق بیاندازند و اگر رأی خالی حائز اکثریت باشد، نامزدی جدید برای تصدی معرفی می‌شود، این دقیقاً شبیه رأی اعتماد به وزیران در دموکراسی‌های دیگر کشورهاست. از سال ۱۹۸۸ تا کنون به طور متوسط ۸۸ درصد مردم در رأی گیری‌های ملی و محلی مشارکت کرده‌اند. از دیگر نکات قابل توجه در دموکراسی سوسیالیستی کوبا این است که به دلیل وجود فدراسیون‌ها و اتحادیه‌های

۱. چون ماهیت پژوهش مربوط به بررسی دستاوردهای انقلاب کوبا نیست، از توضیحات تفصیلی اجتناب شده، علاقمندان می‌توانند برای آشنایی بیشتر به بخش منابع همین مقاله مراجعه کنند.

مختص زنان، کشاورزان، دانشجویان و .. که مجموعاً کمیسیون ملی انتخابات را تشکیل می‌دهند؛ روی کاغذ همه شهروندان شانس برای رسیدن به بالاترین نهادهای تصمیم‌گیری سیاسی را دارا هستند و هر عضو حزب کمونیست مختار است که در هر انتخاباتی به خود رأی دهد، همچنین هرگونه تبلیغاتی ممنوع بوده و نظارت بر صندوق‌های انتخاباتی نیز بر عهده دانش‌آموزان است. در تمامی انتخابات کوبا از سطح ملی تا محلی، شرط لازم برای انتخاب شدن، کسب ۵۱ درصد آرا است (Hudson, 2001: 243-245). در این کشور بر خلاف تلقینات رسانه‌های جریان اصلی، تفکیک قوا وجود دارد و ساختار دموکراتیک این کشور اجازه می‌دهد که عادی‌ترین افراد جامعه هم مشارکت و ترقی سیاسی واقعی داشته باشند.

قوة مقننه: قانون اساسی کوبا در دهه اول انقلاب سوسیالیستی نبود اما پس از تصویب اولین قانون اساسی سوسیالیستی کوبا در سال ۱۹۷۶، اولین نشست مجلس خلق کوبا نیز در دسامبر همان سال تشکیل شد. تاکنون ۸ دوره انتخابات مجلس کوبا و آخرین دوره آن در ۳ فوریه ۲۰۱۸ برگزار شد. انتخابات بعدی در فوریه ۲۰۲۳ خواهد بود. مجلس ملی قدرت خلق کوبا از ۶۱۲ نماینده از ۱۶۹ حوزه انتخاباتی تشکیل می‌شود که با رأی مستقیم مردم و برای یک دوره پنج ساله تعیین می‌گردند. ۴۹ درصد نمایندگان را زنان تشکیل می‌دهند و ۱۰۰ درصد نمایندگان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. تا قبل از اصلاح قانون اساسی در سال ۱۹۹۲ انتخاب نمایندگان مجلس غیر مستقیم و از طریق مجامع ایالتی بود، اما پس از آن مجامع ایالتی جای خود را به «کمیسیون ملی انتخابات» دادند که متشکل از گروهی از فدراسیون زنان، فدراسیون دانشجویان، فدراسیون دفاع از انقلاب، انجمن کشاورزان کوچک، فدراسیون کارگران و فدراسیون دانش‌آموزان است که اعضای آن از توده‌های مردم بوده و وظیفه معرفی نامزدهای انتخابات مجلس و همچنین شورای وزرا را از بین خودشان دارند. بررسی لوایح دولت، رأی اعتماد به وزرا، انتخاب اعضای «شورای دولت» از جمله وظایف پارلمان است. مجلس کوبا سالانه دو نشست عادی در میانه و پایان سال دارد، اما کمیسیون‌های ۱۰ گانه مجلس در طول سال فعال‌اند و تشکیل جلسه می‌دهند. مجلس خلق به دلیل قدرت حزب کمونیست در کوبا، رکن دوم قدرت مقننه محسوب می‌گردد و معمولاً مصوباتی مطابق با سیاست‌های حزب دارد (Hudson, 2001: 236-240).

قوة مجریه: پس از انقلاب ۱۹۵۹، برای مدت چند سال دولت انقلابی دارای ارکان موقت بود که به تدریج استعفا دادند و از آن هنگام (۱۹۶۰) نخست‌وزیری، ریاست شورای وزیران، ریاست شورای دولت و از سال ۱۹۶۵ دبیر کلی حزب کمونیست بر عهده فیدل کاسترو بوده و از فوریه ۲۰۰۸، رائول کاسترو، برادر فیدل، ریاست جمهوری و ریاست شورای دولت را بر عهده گرفت و در انتخابات فوریه ۲۰۱۸ میگوئل دیاز، به این سمت انتخاب شد. رئیس جمهور کوبا، ریاست کل قوای مسلح کشور را نیز بر عهده دارد. کابینه (شورای وزرا) در کوبا شامل رئیس جمهور، معاون اول، ۵ معاون رئیس جمهور و ۲۷ وزیر است که به‌طور غیرمستقیم با آراء مردم انتخاب می‌شوند. مجلس، اقدام به تعیین اعضای شورای دولت می‌کند و رئیس جمهور بعنوان رئیس این شورا، وزرا (شورای وزیران) را منصوب می‌نماید. شورای وزیران عالی‌ترین مقام اجرایی است که اختیاراتی در سطح تصویب و لغو استثنائات قوانین مالکیت دولتی بر ابزار تولید داراست، کوبا ۲۷ وزارتخانه دارد که وزرای کشاورزی، دفاع، امنیت، آموزش و بهداشت، معمولاً از اعضای حزب کمونیست تعیین می‌شوند و بقیه وزارتخانه‌ها محدودیتی برای تصدی پست وزارت ندارند (Truyol, 2014: 59).

قوة قضائیه: دادگاه عالی خلق، بالاترین نهاد قضائی کوبا و دادستان کل، عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است که توسط رئیس جمهور (بعنوان رئیس شورای دولت) تعیین می‌شود. دادگاه عالی کوبا به پنج بخش جنایی، مدنی و اداری، کار،

امنیت دولتی و نظامی تقسیم شده است. اعضای دادگاه عالی توسط وزیر دادگستری و توسط دو مجلس ملی تأیید می‌شوند. وزیر دادگستری تمامی دادگاه‌ها، از جمله دیوان عالی را کنترل می‌کند. بنابراین وزارت دادگستری دارای اقتدار و نظارت کامل بر بودجه، حقوق و دستمزد و پرسنل است. با این شرایط دادگاه‌ها به طور رسمی بسیار مستقل‌تر از سایر نظام‌های سیاسی هستند. قضات برای یک مدت محدود منصوب می‌شوند و در صورت نارضایتی مردم باید اخراج شوند. قابل توجه‌ترین ویژگی دادگاه‌های کوبا قاطعیت و خشونت در مقابل مخالفین سیاسی است و اغلب زندانیان کوبا، جرائم سیاسی و امنیتی دارند. دادستان کل کشور که مقامی مساوی با وزارت دارد، مسئول اصلی رسیدگی به جرایم سیاسی و فساد اداری است (Hudson, 2001: 236-240).

حزب کمونیست: این حزب در سال ۱۹۲۵ تاسیس شد و مدت‌ها فعالیت زیر زمینی داشت، اما پس از انقلاب حزب کمونیستی جدیدی که از ۳ اکتبر ۱۹۶۵ به دستور فیدل کاسترو تأسیس شد، امروز تنها حزب مجاز به فعالیت در کوبا است و در حال حاضر حدود ۸۰۰ هزار نفر عضو دارد. از ابتدای تاسیس تاکنون، این حزب ۷ کنگره عمومی برگزار کرد و آخرین آن در آوریل ۲۰۱۷ بود. کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا که رکن اصلی سیاست‌گذاری در کشور را تشکیل می‌دهد، وظایف حزب را در فواصل کنگره‌ها ادامه می‌دهد و ۱۴۲ عضو دارد. راثول کاسترو، از آوریل ۲۰۱۱ به عنوان دبیر اول (عالی‌ترین مقام) حزب کمونیست کوبا منصوب شده است. روزنامه گرانما، ارگان رسمی اطلاع‌رسانی این حزب است. دفتر اصلی حزب نیز در شهر هاوانا قرار دارد (سفارت جمهوری اسلامی ایران در هاوانا).

شوراهای کارگری: دولت کوبا حق تشکیل این اتحادیه‌ها را به رسمیت می‌شناسد و حق پیوستن به آن‌ها را تضمین می‌کند. این اتحادیه‌ها کاملاً مستقل از دولت هستند و نیازهای مالی خود را نیز خود تأمین می‌کنند. ساعات کار کارگران نیز که روزی ۷ ساعت است توسط این اتحادیه‌ها تصویب و به اجرا گذاشته شده است. ۳۶ روز در سال مرخصی پیش‌بینی شده است. همچنین هر زمان که اتحادیه‌ها احساس کنند کار کردن خطرناک است آن را متوقف می‌کنند. این اتحادیه‌ها در قانون‌گذاری نیز نقش دارند و سالانه دوبرار قوانین استخدامی و مربوط به کارگران را به مجلس تقدیم کرده و با کمک نمایندگان آن‌ها را تصویب می‌کنند. اعضای شورای شهر و بخش معمولاً از میان شوراهای کارگری و دهقانی انتخاب می‌شوند و همین‌طور پنج نماینده دائم در مجلس قدرت خلق کوبا دارند (Edvard, 2016: 136).

نتیجه‌گیری

منشاء ایدئولوژیک انقلاب کوبا باعث به وجود آمدن گفتمان عدالت محور شد که نشانه‌های مختلفی را دارا بود. همه این نشانه‌ها در حول محور دال مرکزی که برابری و عدالت و نظام بدون طبقه بود جمع شدند و باعث بروز هژمونی برای این ساخت ایدئولوژیک شدند. حزب کمونیست که در دهه ۶۰ میلادی به دستور و با نظارت فیدل کاسترو ایجاد شد به عنوان مدلولی قدرتمند در کنار عواملی نظیر حمایت شوروی و خصومت با آمریکا و تغییر در ساختار طبقات اقتصادی-اجتماعی توانست رهبری کشور را به عهده بگیرد و در جهت بهبود وضعیت مردم گام‌هایی بزرگ برداشت. این گفتمان خاص بر نحوه اداره کشور و سازماندهی سیاسی اثر گذاشت و تقسیمات کشوری را نیز دگرگون کرد. بر اثر گفتمان برابری و عدالت در کوبا، کشور به ۱۶ ایالت و ۱۶۹ بخش تقسیم شد و هر بخش بنا به ایدئولوژی حاکم و گفتمان حاصل از ایدئولوژی نقشی خاص را بر عهده گرفت. همه ایالت‌ها و مناطق کوبا تحت نظارت کامل حکومت مرکزی هستند و در جهت تحقق اهداف گفتمان در هر بخش صنوف کارگری و شعبه‌هایی از حزب کمونیست فعالیت می‌کنند. برخلاف تبلیغات رسانه

های جریان اصلی، مدیریت سیاسی کوبا با تکیه بر تفکیک قوا بوده و قانون اساسی این کشور آزادی‌های مدنی و مذهبی را به رسمیت می‌شناسد. انسداد گفتمان انقلابی کوبا بعد از فروپاشی شوروی موجب بازنگری در قانون اساسی شد، که این اصلاح و بازنگری استیلای گفتمان انقلابی و عدالت محور کوبا را تا امروز تضمین کرده است. نحوه مدیریت سیاسی فضا در این کشور به وضوح تحت تاثیر گفتمان انقلابی این کشور می باشد و توانسته آرمان‌های انقلاب کوبا را تا حد زیادی محقق کند.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول، حامی مالی نداشته است.

منابع

- ۱) احمدی پور، زهرا (۱۳۹۱) سازماندهی سیاسی فضا، تهران: نیروهای مسلح.
- ۲) افزلی، رسول (۱۳۹۶) روش شناسی در جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک (روش های فرائیبات گرا)، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳) حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱) جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت.
- ۴) رایس، ارل (۱۳۹۴) انقلاب کوبا، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- ۵) سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۴) قدرت، گفتمان و زبان، سازوکارهای جریان قدرت در ایران، تهران: نشر نی.
- ۶) عظیم‌زاده، اسدالله (۱۳۸۶) کوبا و سوسیالیسم (مجموعه مقاله)، تهران: نشر چشمه.
- ۷) کمالی طه، منوچهر (۱۳۶۱) مسائل نیمکره غربی (کوبا، کاسترو، انقلاب)، تهران: امیر کبیر.
- ۸) مارش، دیوید و جری، استوکر (۱۳۷۷) متن، وائموده و تحلیل گفتمان، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، فصلنامه گفتمان، دوره ۱، شماره ۲، صص. ۲۳-۱۵.
- ۹) مارکتیچ، برانکو (۱۳۹۶) سوسیالیسم و کاپیتالیسم در برابر طوفان (تجربه کوبا و آمریکا)، ترجمه علی آتشی، مجله اینترنتی رویدادهای معماری.
- ۱۰) مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰) تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن، قم: معرفت فرهنگی-اجتماعی.
- ۱۱) وب سایت سفارت جمهوری اسلامی ایران در هاوانا (<http://www.havana.mfa.ir>).
- 12) Afzali, Rasoul. (2017) Methodology in Political and Geopolitical Geography (Transcendentalist Methods), Tehran: University of Tehran. [in Persian].
- 13) Ahmadipour, Zahra (2012). Political Organization of Space, Tehran: Armed Forces. [in Persian].
- 14) Alonso, A. (2011) Cuba: Society after half a century of changes, achievements and setbacks, Cuba Dossier. Estud, Vol.25, No.72, pp.1-10.
- 15) Azimzadeh, Assadollah. (2007) Cuba and Socialism (Article Collection), Tehran: Cheshmeh Publishing. [in Persian].
- 16) Cuban People's Assembly and Council of Ministers (1992) Cuba Constitution.
- 17) Dominguez, J. (2003) Government in Cuba after the Revolution, Scientific publication of the Cuban Communist Party.
- 18) Edward, G. (1998) Urbanization in Cuba, PSC Discussion Papers Series, Vol.12, No.10, pp.1-6.
- 19) González, P. A. (2015) The organization of commemorative space in postcolonial Cuba: From Civic Square to Square of the Revolution, Organization2016, Vol. 23, No.1, pp.47-70.
- 20) Hafeznia, Mohammad Reza. (2002) Political Geography of Iran, Tehran: Samt. [in Persian].
- 21) Huberman, S. & Leo, P. (1960) Cuba anatomy of a revolution, New York.
- 22) Hudson, E.d. (2001) Collection of regional books Cuba is a country study, Headquarters, Department of the Army.
- 23) Kamali Taha, Manouchehr. (1982) Western Hemisphere Issues (Cuba, Castro, Revolution), Tehran: Amir Kabir. [in Persian].
- 24) Marketic, Branko. (2017) Socialism and Capitalism in the Face of the Storm (The Cuban-

- American Experience), translated by Ali Atashi, Online Journal of Architectural Events. [in Persian]
- 25) Marsh, David. & Jerry Stoker. (1998) Text, discourse and analysis of discourse, translated by Amir Mohammad Haji Yousefi, Gofteman Quarterly, Vol.1, No.2, pp.15-23. [Persian]
 - 26) Moghaddami, Mohammad Taghi. (2011) Analysis of Laclau and Moff discourse and its critique, Qom: Marefat Farhangi-Ejtemaei. [in Persian].
 - 27) Nelson, L. (1986) The Social class Structure in Cuba, Washington D.C.
 - 28) Rice, Earl. (2015) The Cuban Revolution, translated by Mehdi Haghhighatkah, Tehran: Qoqnoos. [in Persian]
 - 29) The United Nations Statistics Division (TUSD)-(2015).
 - 30) Truyol, B.E. (2014) Good Governance in Cuba, Last edit, University of Florida Levin College of Law.
 - 31) Website of the Embassy of the Islamic Republic of Iran in Havana. <http://www.havana.mfa.ir>. [in Persian].
 - 32) World Health Organization (WHO)-(2016).

